



زندان یو آل!

د هن لق هم هستی، زبون باز هم هستی، دست و پاتم دست خودت نیست، پس توی یه چهار چوبی باشی، به نفع همه ست. زندانبان گفت: «تازه چشمتم در اختیار خودت نیست! چشمت دنبال مال و منال بقیه ست!» ترامپ گفت: «من معمولاً به دنبال معامله برد-بردم. مثلاً اسم خلیج فارستون رو بذارین خلیج همیشه آمریکا؛ شاید حتی اگه میثاقی اجازه بده، آبش رو با تانکر برداشتیم، بردیم آمریکا! هرمز رو هم می بریم، خاکای رنگی داره. باژن، پسر کوچیکم، دوست داره! چکش رو بنویسم؟! اسلامی خوانین شما هم بیاین سمت ما؟! زندانبان گفت: «نه، ما که جامون خوبه. تازه آب و خاک ما پیش خودمون باشه، جاش امن تره.» ترامپ گفت: «آخه جای چه امنی؟! همه ش جنگ و درگیری. حداقل به معاهده ابراهیم پیوندین که یه چیزی کاسب بشین و بزرگ بشین!» زندانبان گفت: «همین که شما عظمت رو به آمریکا برگردوندی، بسه! آمریکا رو خوب جلوه همه کوچیک کردی!» ترامپ گفت: «نه، اینا بخشی از هنر معامله گریه! من می خوام صلح رو به ارمغان بیارم!» زندانبان گفت: «صلح برای دنیا یا برای خودت؟! ترامپ گفت: «جایزه صلح نوبل برای خودم دیگه! من و تو هم بهتره صلح کنیم و در رو باز کنی، من پیام بیرون!» زندانبان گفت: «بیای بیرون که من رو بندازی اون تو؟! نه، همون جا زندانی رسانه ها باش تازرت دولت بدمد!»

زندانبان که خوابیدند، آمد جلو و سرش را از لای میله ها آورد بیرون تا بتواند راحت تر با زندانبان صحبت کند. زندانبان با تعجب گفت: «چه جوری کله ت رو از بین میله ها رد کردی؟! گفت: «کار نشد نداره! من پول دادم، سلول وی آی پی با بسته طلایی گرفتم که میله هاش رو یه کم با فاصله بیشتری جوش دادن! باید «هنر معامله» رو بلد باشی!» زندانبان گفت: «خله، پول بسته طلایی رو ازت گرفتن، بسته برنزی بهت انداختن! بسته طلایی اصلاً میله نداره، یوآله و صبحانه بوفه داره!» با عصبانیت گفت: «!... برای برند ترررامپ اصلاً خوب نیست این جوری سرش کلاه بره!» زندانبان با تعجب پرسید: «تو ترامپی؟! گفت: «ترامپ نه، ترررامپ! از وقتی من رو گرفتن، زبونم می گیره! البته قبلش هم چنین زبونی نبود که دست خودم باشه!» زندانبان گفت: «ما گرفتیمت؟! من فکر کردم تو با حرفات ما رو گرفتی! ما رو که چه عرض کنم، ایستگاه کل دنیا رو گرفتی، همه می خوان دنیا و ایسته، پیاده شن!» ترامپ گفت: «البته من خودم استاد پیاده گردنم! هر کشوری برم، به محض پیاده شدن از هواپیما پیاده شون می کنم. قطر، عربستان و... همین شماها رو فقط نتونستم پیاده کنم! تازه ما رو با زندان وی آی پی تون پیاده کردن!» زندانبان گفت: «خب چی شد که گرفتنت؟! ترامپ گفت: «هیچی، گرفتن حرف مفت زیاد می زنی،

صفحه ۷
۱۴ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

ایجو، مگفتن مهدی محمدی

سخنگوی دولت:

امروز دلار ۱۱۲ هزار تومان شد، درحالی که پیش بینی بسیار بالاتر بود.

(۶ مهر / عصر ایران)



مری تیم ملی شنا:
امروز تیم شنای
ما آخر شد،
درحالی که
پیش بینی
ما غرق شدن
همگی شان بود.

رئیس سازمان
محیط زیست:
فقط دریاچه
ارومیه کامل
خشک شد،
درحالی که
پیش بینی ما
خشکی کامل
دریای خزر بود.

رئیس یک بانک:
فقط همه
پول های داخل
گاوصندوق
اختلاس شد،
درحالی که
پیش بینی ما
بردن لیوان های
یک بار مصرف
کنار آب سرد کن
هم بود.

دروازه بان استقلال:
فقط هفت
گل خوردیم،
درحالی که
پیش بینی
ما یک عدد
دورقمی بود.

وزیر نیرو:
تابستان امسال
فقط یکی دو
نماینده علیه
من نطق کردند،
درحالی که
پیش بینی من
استیضاح با
۲۹۰ رأی موافق
بود.